

در حاشیه لغو دوباره میزبانی فوتبال ایران

هیچی
آبروی
من بدبخته..!!

این چیه که
داره همیمنجور
میره!؟



در حاشیه

مراسم آغاز سال تحصیلی ۱۴۰۴_۱۴۰۳، البته با حواشی هم همراه بود. در این مراسم پس از صحبت‌های وزرای علوم و بهداشت و زمانی که نوبت به صحبت‌های رئیس جمهور رسید، برخی از دانشجویان با صدای بلند تالاش کردند خواسته خود را به گوش رئیس جمهور برسانند. این در حالی بود که در این مراسم زمانی برای صحبت دانشجویان در نظر گرفته نشده بود. باین حال رئیس جمهور در واکنش به این مطالبه دانشجویان گفت: «دانشجو که شلوغ نمی‌کند، بگذارد من حرفم را برنم ببینیم چی میشه. جلسه را به هم نزنید اگر می‌خواهید به هم نزنید ما برویم، شما حرف بزنید. برای شنیدن مطالبات شما یک وقت دیگر جلسه می‌گذاریم.» پزشک‌های سبب از دانشجویان خواست یک نفر را انتخاب کنند تا در حضور او صحبت کند. آنطور که در رسانه‌ها گزارش شده همین زمان علی صفری، رئیس بسیج دانشجویی دانشگاه تهران خود را به جایگاه رساند و رئیس جمهور تریبون را به او داد. صفری خطاب به پزشک‌ها اظهار کرد: «نامه‌ای از سوی بسیج دانشگاه تهران و جامعه اسلامی دانشگاه تهران تقدیم شما شد و از وزیر علوم و رئیس دانشگاه و نماینده رهبری در دانشگاه پیگیر هستیم. در این برنامه اگر عنوان آغاز سال تحصیلی دارد باید تریبون به دانشجویان داده می‌شد. در سر در دانشگاه نوشته شده خدا لعنت کند دست‌هایی را که می‌خواهند از دانشگاه‌ها سیاست‌زدایی کنند. این حرف رهبری است.» او در ادامه از رئیس جمهور درخواست کرد که از دانشگاه سیاسی صیانت شود: «دانشجویان حذف شدند. یک ماه است که آقای سیمایی به ما فرصت جلسه نمی‌دهند. بعد از برنامه در میان دانشجویان بیرون سالن بیاید و با آنها صحبت کنید و به ما قول دهید برای مراسم شانزده آذر این رویه را درست کنید.» با این حال اعتراض در این مراسم محدود به دانشجویان نبود و بعد از اظهارات رئیس بسیج دانشجویی دانشگاه تهران، زمانی که پزشک‌ها بار دیگر در پشت تریبون قرار گرفت تا ایراد سخن کند، باز هم صدای همهمه و اعتراض بلند شد. این بار معترض یکی از کارمندان دانشگاه تهران بود. این اعتراض و در واقع شیوه آن با انتقاد پزشک‌ها مواجه شد: «لطفاً بنشینید و بگذارید من حرف بزنم و خواهشاً جلسه را به هم نریزید. در این جلسه که قرار نبود شما صحبت بکنید، وقتی شما نمی‌توانید نظم را رعایت کنید یعنی ما هنوز به این فهم و آگاهی نرسیده‌ایم که در چارچوب یک برنامه مراعات کنیم. اگر می‌خواهید جلسه را به هم نزنید، من بروم و شما بیاید صحبت کنید، حتماً جلسه بگذارد تا برای کارمندان هم صحبت کنیم.»

رویکرد دولت نسبت به دانشگاه، خوب اما ناکافی

محمدباقر تاج‌الدین، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه در باره تأکید رئیس جمهور بر نگاه فراچنانی و پذیرش سخنان درست و علمی و میزبان عمل دولت چهاردهم به این سخنان به هم‌میهن می‌گوید: «برای قضاوت در این باره هنوز خیلی زود است چراکه زمان زیادی از روی کار آمدن دولت پزشک‌ها نمی‌گذرد. از طرف دیگر ما می‌دانیم که مشکلات چقدر زیاد است و رئیس جمهور برای چنین افراد مورد نظر خود با پیچیدگی‌های بسیاری مواجه است. در واقع در این باره درخواست‌ها، لابی‌گری‌ها و گاهی فشارهایی وجود دارد که باید به آنها توجه کرد. با این حال باید گفت که تا اینجا کار، دولت عملکرد خوبی داشته است اما باید صبر کنیم تا مشخص شود که در ماه‌های آینده رئیس جمهور چه اقداماتی کرده و تا چه میزان در مسیر هدف‌گذاری شده مورد ادعای خود می‌تواند حرکت کند.» او به بازگرداندن اساتید به دانشگاه‌ها هم اشاره می‌کند: «تا جایی که ما شنیده‌ایم و خوانده‌ایم رویکرد نسبت به اساتید دانشگاه بد نبوده و حرکت‌هایی مانند بازگرداندن اساتید و رفع مشکلات دانشجویان انجام شده است. اگر چه این اقدامات کامل نبوده اما قابل پذیرش است.» این استاد دانشگاه اما مشکلات این نهاد را بسیار ریشه‌ای و جدی می‌داند: «نمی‌توان از یک دولت یا رئیس جمهور انتظار داشت این مشکلات را در کوتاه‌مدت حل کند. به عنوان مثال شرایط فعلی دانشگاه ناشی از تصمیمات غلط بوده است. تاسیس این تعداد دانشگاه، چندان منطقی نبود. پذیرش این میزان دانشجو که بعداً فارغ‌التحصیل شده اما بازار کاری ندارند و همچنین از مهارت‌آموزی مناسب هم برخوردار نیستند در مغایرت با توسعه همه‌جانبه است. این درست نیست که فکر کنیم وجود این تعداد دانشگاه امری مطلوب است. افرادی باید به دانشگاه بروند که واقعاً به آن علاقه‌مند هستند. اینکه همه به دانشگاه بروند خیلی هم اتفاق منطقی نیست. بنابراین ساماندهی این وضعیت از طریق امکانات و ظرفیت‌هایی که دولت در اختیار دارد، ضروری است.» یکی از تأکیدات رئیس جمهور استفاده از ظرفیت اساتید دانشگاه برای حل مشکلات جامعه در حوزه‌های تخصصی خودشان و همچنین حمایت از افرادی بوده است که در کشور مانده‌اند تا کاری کنند، آیا وجود چنین رویکردی در دولت برای حل مشکلات کشور کافیه؟ سوالی که تاج‌الدین درباره آن می‌گوید: «وجود رویکرد مبتنی بر استفاده از اساتید رسته‌های مختلف برای رفع مشکلات جامعه و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در راستای آن، بسیار خوب است اما کافی نیست. به این معنا که باید زیرساخت‌های چنین اقدامی مهیا شود و تضمینی باشد برای اینکه راهکارها علاوه بر منطقی و علمی بودن، مورد استفاده هم قرار گیرند. اینکه جلساتی تشکیل شده و اساتید راهکارهایی ارائه دهند اما بعد از جلسه همه این موارد به فراموشی سپرده شود و هیچ وزارتخانه و سازمانی به آن توجه نکند فایده‌ای ندارد. باید برآیند نظرات اساتید در یک موضوع خاص برای حل مسئله در اختیار رئیس جمهور قرار گیرد. این اقدامات می‌تواند نشان‌دهنده اقدام دولت برای عمل به وعده‌هایش باشد.»

کاهش فشارها، رویکرد متفاوت

امیرحسین سیدعلی، فعال دانشجویی و عضو سابق شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشگاه تهران و دانشگاه علوم پزشکی تهران از کاهش فشارها در دانشگاه‌ها به هم‌میهن می‌گوید: «به نظر می‌رسد رویکرد مسئولین دانشگاه و به‌ویژه دانشگاه تهران در دولت فعلی با رویکرد دولت سیزدهم قابل مقایسه نیست؛ یعنی موضع وزارت علوم دولت قبل و شاید شخص وزیر علوم به‌ویژه در دانشگاه تهران کاملاً سوگیرانه بود. به عنوان مثال در دانشگاه تهران به برخی از تشکل‌ها کاملاً بها داده می‌شد اما بر خود با تنها تشکل اصلاح طلب یعنی انجمن اسلامی دانشگاه بسیار متفاوت بود.» او ادامه می‌دهد: «در خصوص اتفاق‌های سال ۱۴۰۱ تا جایی که در جریان هشتم پرونده دانشجویانی که آن زمان در دانشگاه تهران تعلیق یا اخراج شدند در حال پیگیری است. البته تا جایی که اطلاع دارم اعتراض فعلی این دانشجویان عضو انجمن اسلامی نسبت به این موضوع است که پیگیری‌ها چندان شفاف نیست و دبیر انجمن مصاحبه‌ای هم در این خصوص انجام داده بود.» این فعال دانشجویی که سال گذشته از دانشگاه فارغ‌التحصیل و در حال حاضر در دانشگاه شریف ادامه تحصیل می‌دهد به این موضوع اشاره می‌کند که هم در دولت روحانی و هم در دولت رئیسی در دانشگاه تهران حضور داشته است: «اگر چه در این مدت اتفاق خیلی خاصی نیفتاده است اما باید در نظر گرفت که دولت چهاردهم تنها حدود ۱۰۰ روز است که مدیریت کشور را بر عهده گرفته اما به نظرم در همین مدت هم رویکرد این دولت نسبتاً به نسبت به دولت سیزدهم که حتی نسبت به دولت دوازدهم هم خیلی متفاوت و پذیراتر است. در اواخر دولت دوازدهم چندان هم شاهد رویکردهای مبتنی بر آزادی بیان و... نبودم.»

بازبینی پرونده دانشگاهیان منتقد در یک کمیته تخصصی

محمد صالح نقره‌کار، حقوق‌دان که هم به لحاظ فعالیت‌های فردی و هم به لحاظ همکاری با کارگروه حقوق بشر اتحادیه کانون‌های وکلای دادگستری ایران (اسکودا) در جریان پرونده تعدادی از دانشجویان و اساتید معترض و منتقد دانشگاه‌ها قرار دارد، درباره رویکرد دولت چهاردهم نسبت به مشکلات حقوقی ایجادشده برای این افراد به هم‌میهن اظهار داشت: «دغدغه عمومی برای دانشگاه‌ها این است که این نهاد باید با شیوه‌های غیربسی و خودانتظام اداره شود و نهادهایی که در این حوزه‌ها مداخله می‌کنند با رعایت حریم و قواعد سزادار دانشگاهی مبادرت به ورود در حوزه‌های جذب، پایش، نظارت و کنترل دانشجویی باشند و از رفتارهای مداخله‌گرانه ناقض حقوق شهروندی و به‌ویژه حقوق اجتماعی اجتناب کنند.» او از دغدغه دولت چهاردهم درباره جامعه دانشگاهی می‌گوید: «عملکرد این دولت با توجه به شعار و وعده محوری بازگشت اخلاقی دانشگاهی و حقوق دانشگاهیان به دانشگاه بوده است. در بدو استقرار دولت به وعده رئیس جمهور عمل و کمیته‌ای در این خصوص تشکیل شده تا موضوعات مرتبط با دانشگاه علوم پزشکی و دانشگاه‌های تحت نظر وزارت علوم به شیوه‌های دقیقی مورد بازبینی قرار بگیرد و پرونده اساتیدی که اخراج شدند یا دانشجویانی که به نوعی وضعیت تعلیقی دارند هم مورد بازنگری قرار بگیرند.» او اضافه می‌کند: «دولت جدید با این اقدامات تلاش می‌کند که از اعمال سلیقه‌های ناروا یا سیاست‌گذاری‌های نادرستی که منتهی به حذف یا طرد دانشجویان دانشگاهیان بر خلاف قوانین و مقررات آمره و به‌ویژه موضوعات مرتبط با «محروریت از حقوق اجتماعی» می‌شود معاف کند. به نظر می‌رسد که دولت چهاردهم به دنبال آن است که سیاست‌گذاری عمومی در حوزه دانشگاه به سمتی پیش رود که با رعایت حقوق شهروندی به حق آموزش و حق بر دسترسی مناسب

عکس نوشت

کاکو، داغت نیبیم

درباره عکسی از یک مراسم خاکسپاری

مرگ حق است و یک روز از روزهای خدا روزی ما هم می‌شود. می‌دانم ستون آگاهی ترحیم صفحه دیگری است. اما رفیقم خواهر دسته گلش را به خاک سرد سپرد تا از سردی خاک، آتش سینه‌اش کمتر شعله کشد. قرار نیست برایتان روضه بخوانم که اگر بخوادم بلدش نیستم. می‌خواهم درباره مهربانی بنویسم. می‌خواهم چند خط از مواجهه‌ام با یک مراسم خاکسپاری بنویسم... می‌خواهم یک سند درباره شیراز و شیرازی در روزنامه به یادگار بگذارم. رفیقم بچه شیراز است. شیرازی بودن یعنی وقتی می‌شنوی عزیزت داغدار شده همه کار و زندگی را تعطیل می‌کنی تا به داد صاحب عزت‌ابرسی. شیرازی بودن یعنی یک دوست از سر صدق و صفا زیربازی داغ‌دیده رامی‌گیرد و دوست دیگر اشک دیده‌اش را پاک می‌کند. شیرازی بودن یعنی خانه همه‌فامیل و دوست و آشنایمی شود خانه تو. شیرازی بودن یعنی هر که رخت عزا به تنت ببیند در آغوش می‌گیرد و بر تو آفت می‌برد. شیرازی بودن یعنی گوهرن و قرآن‌خوان هم با اشک تو اشک می‌ریزند و از جان و دل می‌کنند و می‌خوانند. شیرازی بودن یعنی راننده تاکسی سخته است مسیر دارالرحمه را قبول کند و سوار ماشینش که می‌شوی می‌گوید کاکو داغت نیبیم. شیرازی بودن یعنی وقتی می‌فهمی اعضای بدن عزیز جوان از دست‌رفته‌ات می‌تواند زندگی انسان دیگری را به او برگرداند یا روی دل ریش ریش‌ات می‌گذاری و می‌بخشی. شیرازی بودن یعنی وقتی گوشه کافه‌ای در حال نوشتن این چند خطی، صاحب کافه بالای سرت بیاید و بگوید چته کاکو چرا ایقدر تو همی؟

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه‌نگار

رفیقم می‌خواهد روی سنگ خواهرش بتراشد ذوقی چنان ندارد بی دوست زندگانی دودم به سر برآمد زین آتش نهانی شیراز در نیست‌هست از کاروان ولیکن مارانمی‌گشایند از قید مهربانی علی، کاکو، داغت نیبیم.

